

فرهنگ نقد و نقادی با وجود بنیادهای دینی و ارزشی غنی در جامعه ما ریشه ندوانده است به همین دلیل نیز از نقد و انتقاد استقبال نمی‌کنیم، خود را کمال مطلق و کار خود را عاری از هر اشکال و ایراد می‌دانیم و با کمترین و کوچکترین نقد و نظر مخالف برآشفته می‌شویم و واکنش‌هایی توأم با عصبانیت و پرخاشگری از خود بروز می‌دهیم. از آن سو منتقدان نیز گاه نقد را با عقده‌گشایی برابر می‌گیرند و به جای نقد افکار و برنامه‌ها، اشخاص و شخصیت‌ها را نقد می‌کنند و همین فضای بحث و گفت‌وگوی عقلانی و منطقی را به میدان غلیان احساسات مبدل می‌کند و بستر سالم نقد و گفت‌وگو را از بین می‌برد.

سایه سنگین این فرهنگ نابردبار در مقابل نقد و انتقاد در حوزه کتاب‌های درسی نیز قابل مشاهده است. کتاب‌های درسی از مهمترین متون فرهنگ‌ساز هستند که همه مردم آن‌ها را می‌خوانند و یا به نوعی در معرض آن‌ها قرار دارند، بنابراین حق دارند در مورد آنها نظر بدهند و به واسطه منتقدان و معلمان صدای خود را به گوش مؤلفان و برنامه‌ریزان برسانند این موضوع در مورد کتاب‌های درسی علوم اجتماعی ضرورت و اهمیت بیشتری نیز پیدا می‌کند، چرا که زندگی محصول کنش و واکنش‌های اجتماعی است و مردم دیدگاه‌ها و برداشت‌های متفاوتی از مباحث و مسائل اجتماعی دارند که ضروری است مؤلفان کتاب‌های درسی علوم اجتماعی به آن توجه کنند. کتاب‌های علوم اجتماعی در خلاء نوشته نمی‌شوند، بلکه در چنین بستر فرهنگی و اجتماعی تولید می‌شوند، به همین دلیل نیز باید امکان نقد و گفت‌وگو در مورد این کتاب‌ها فراهم شود و معلمان و دبیران به عنوان کسانی که از یک سو با مردم، دانش‌آموزان و خانواده‌ها، و از سوی دیگر - به واسطه مسئولیت تدریس کتاب‌ها - با مؤلفان و برنامه‌ریزان در رابطه‌اند، بهترین میانجی برای انتقال نقد و نظرهای مردم در مورد کتاب‌های درسی هستند. از این رو باید جایگاه دبیران و معلمان را نه فقط به عنوان «مدرسان» بلکه به عنوان «منتقدان» کتاب‌های درسی به رسمیت شناخت و اعتبار و منزلت اجتماعی ویژه‌ای برای این جایگاه قائل شد و همچنانکه مؤلفان برتر منزلت می‌یابند و مورد تشویق قرار می‌گیرند، منتقدان نیز ارج و ارزش بیابند و تکریم شوند. در تمام حوزه‌های فرهنگی از ورزش، هنر و فیلم تا رمان و داستان و شعر ما گروهی به نام منتقدان داریم که به رسمیت شناخته شده و از اعتبار و ارزش اجتماعی لازم برخوردارند اما در مورد کتاب‌های درسی با وجود تیراژ بالا و گستره وسیع مخاطبان - که کل جامعه را در برمی‌گیرد - عنوان و جایگاهی به نام منتقد نداریم و به رسمیت شناخته نشده است.

## کتاب‌های بی‌صدا و فرهنگ نقد



مجله رشد آموزش علوم اجتماعی با توجه به چنین نگاه آسیب‌شناسانه‌ای به حوزه کتاب‌های درسی و به‌ویژه کتاب‌های علوم اجتماعی طی دو سال گذشته تلاش کرده است با طرح نقد و نظرهای معلمان و دبیران کشور نسبت به کتاب‌ها و برنامه‌های درسی در قالب یادداشت‌ها، مقالات علمی و نیز برگزاری میزگردها و گفت‌وگوها بستر و زمینه‌های لازم را برای رشد و توسعه فرهنگ نقد در این حوزه فراهم کند. گام نهادن در این وادی البته با توجه به ریشه‌داری فرهنگ نابداری کارچندان ساده و بی‌دردسری نبوده و نیست. وجود دیدگاه کمال‌گرایانه و عاری از نقص دیدن تصمیمات، برنامه‌ها و فعالیت‌های نظام آموزشی هر نوع نقد و انتقادی را نوعی تخریب و تزلزل در نظام آموزشی تلقی کرده و راه را بر هر نوع نقد و نظر اصلاحی می‌بندد. جایگاه نامتوازن مؤلفان و منتقدان در نظام برنامه‌ریزی درسی امکان گفت‌وگوی برابر و نقد را دشوار می‌کند.

همچنین نابداری و عدم تحمل دیدگاه مخالف و تلقی شخصی از انتقادات، موجب واکنش‌های تند و ناموجه می‌شود و فضای نقد را تیره و تار می‌کند.

از سوی دیگر فقدان تجربه و مهارت منتقدان بعضاً موجب آمیختگی نقد با مسائل شخصی می‌شود و آن را از مسیر سالم و علمی خارج می‌کند. زبان پالایش نشده و تند و تیز ممکن است واکنش احساسی متقابل را از سوی طرف دیگر برانگیزد. تعمیم‌های ناروا و سوءتعبیرهای منتقدان نیز ممکن است به برداشت‌های ناموجه از موضوع دامن بزند. اما ارزش و منزلت نقد و آثار و فواید آن چنان گسترده و پر دامنه است که هیچ‌یک از این مشکلات نباید ما را از ادامه چنین راهی بازدارد یا در اراده ما نسبت به ادامه چنین راهی تردید ایجاد کند. اگر باور داشته باشیم کتاب‌ها، آثار و برنامه‌های ما به عنوان محصول تلاش‌های انسانی کامل و عاری از نقص نیست و اگر بپذیریم که هر نقدی هرچند تند، راهی است به سوی تکمیل و اصلاح، آن وقت طور دیگری خواهیم دید و با آغوش باز از نقدهای منتقدان استقبال می‌کنیم، هاضمه‌هایمان را در برابر نقدها قویتر می‌کنیم، به منتقد به چشم دوست و رفیق و نه دشمن و رقیب نگاه می‌کنیم. در چنین صورتی انتقاد هرچه اساسی‌تر و بنیادی‌تر، بهره و فایده‌های آن بیشتر و پرثمرتر خواهد بود.

در چنین شرایطی منتقدان کتاب‌های درسی همان‌قدر اعتبار و ارزش خواهند داشت که مؤلفان و برنامه‌ریزان. در چنین شرایطی معلمان، مقالات و نشریاتی که به نقد کتاب‌ها و برنامه‌های درسی می‌پردازند ارج و ارزش بیشتری از ستایش‌کنندگان و مداحان خواهند داشت. چه گفته‌اند:

دوست آنست کو معایب دوست  
همچو آینه روبه‌رو گوید  
نه که چون شانه با هزار زبان  
در قفا رفته موبه‌مو گوید

